

ذوق لطیف ایرانی

دفتر اول: پیش پرده

کتاب‌دانشجو  علی ابوالحسنی (منذر)

پیشگفتار	۷
مقدمه	۱۱
۱. ادیب‌الممالک فراهانی	۳۹
۲. صاحب‌بن عبّاد	۴۷
۳. ملک‌الشعراى صبا	۶۵
۴. تبریک و تسلیت!	۷۳
۵. آیت‌الله حاج سید محمدهادی میلانی	۸۱
۶. آیت‌الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی	۸۵
۷. آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم قمی	۸۷
۸. نمره‌ات بیست!	۹۱
۹. سیل قم، و عنایت آن به طلاب!	۹۳
۱۰. اندر حدیث غرب‌زدگان وطنی!	۹۵
۹۸ ضدحال!	
۱۱. باز هم حکایت‌هایی از عناصر مستفرنگ	۱۰۳
۱۰۵ یک صحاف‌باشی دیگر! ۱۰۶ صحاف‌باشی سوم! ۱۰۸ نکته. ۱۰۹	
مرض ایران‌زدگی.	
۱۲. من از شاه نمی‌ترسم!	۱۱۱
۱۳. نادر افشار	۱۱۳
۱۲۵ باغبان پیر و انوشیروان. ۱۲۷ درخواست‌های تصاعدی! ۱۳۰ لوزینه در بارگاه بغداد.	

۱۴. کریم‌خان زند؛ فردی که ...	۱۳۳
۱۳۴. داستان اول. ۱۳۵. داستان دوم. ۱۳۵. داستان سوم. ۱۳۶. داستان چهارم.	
۱۳۷. داستان پنجم. ۱۳۸. داستان ششم.	
۱۵. ماده تاریخها (۱)	۱۴۵
۱۶. ماده تاریخها (۲)	۱۵۷
۱۷. صنعت جناس (۱)	۱۶۷
۱۸. صنعت جناس (۲)	۱۷۹
۱۷۹. ۱. سَر. ۱۸۱. ۲. سراب و سَرِ آب. ۱۸۱. ۳. خدا و خودآ. ۱۸۲. ۴. قامت و قیامت. ۱۸۳. ۵. طره یار. ۱۸۴. ۶. جهان و جهان (= گیتی و جهنده).	
۱۹. واج آرایی	۱۸۷
۲۰. مادر	۱۹۹
۲۰۱. ۱. ایرج میرزا. ۲۰۱. ۲. میرزا یحیی دولت‌آبادی. ۲۰۲. ۳. یحیی ریحان. ۲۰۳. ۴. ملک‌الشعراى بهار. ۲۰۴. ۵. مخبرالسلطنه هدایت.	
کتابنامه	۲۰۹
فهرست آیات	۲۱۷
نمایه	۲۱۹

پیشگفتار

آدمی در سپهر بیکران عقل‌ورزی، وامدار طلوع خورشید دیانت می‌شود و به مدد نور و حرارت منبعی این چنین، گفتمان معرفتی مسلط بر زندگانی را، تعمیق و توسعه می‌بخشد. بینش‌ها و اندیشه‌ها، نگاه‌ها و درک‌ها، آن‌گاه مسیری متعالی خواهند داشت که از سرچشمه‌های زلال، سالم و مطمئنی برخوردار گردند. بسترسازی برای ورود به این مسیر متعالی و پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و فرهنگی در جامعه جوان ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه و نیز درک آموزه‌های دین مبین اسلام به‌عنوان اساسی‌ترین مولفه فرهنگ ایرانی است. توجه به همین حقایق راهبردی، زمینه شکل‌گیری «مرکز پژوهش‌های جوان» را ایجاد نموده است. اهداف این مجموعه، تولید آثار مکتوب مطلوب و مورد نیاز مخاطبان جوان، تأمین پشتوانه تخصصی فعالیت‌های فکری و فرهنگی و نیز توسعه ظرفیت درخور برای شناسایی پژوهشگران و فرهیختگان فعال در عرصه مسائل جوانان و عرضه آثار آنان است.

این مرکز به «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» وابسته است. پژوهشگاه، نهادی علمی و فکری است که با اهدافی چون اهتمام به

نظریه‌پردازی، نوآوری و گره‌گشایی در قلمرو اندیشه دینی و نظام رفتاری اسلام، دفاع علمی از حکمت و اندیشه علمی و مطالعه تطبیقی و نقد مبتکرانه و عالمانه، کوشش برای رفع نیازهای علمی و نظری، نقادی و بازپیرایی موارث معرفتی و بازآرایی و ارائه مناسب معارف دینی، با هدف‌گیری مخاطبانی چون دانشوران، نخبگان فکری، علمی و اجتماعی، جوانان و دانشجویان و در قالب شش پژوهشکده و بیش از ۲۵ گروه علمی در رشته‌های مختلف فعالیت دارد. همچنین فعالیت‌های علمی مرکز پژوهش‌های جوان در قالب شش گروه علمی «بینش و اندیشه اسلامی»، «مطالعات فرهنگی و اجتماعی»، «نظام‌ها و مطالعات انقلاب اسلامی»، «اخلاق و تربیت»، «سنت‌های حوزوی» و «ادب و هنر» انجام می‌پذیرد.

گروه «ادب و هنر» مرکز پژوهش‌های فکری و فرهنگی جوان ضمن پایبندی به ارزش‌های والای دین مبین اسلام و تلاش در جهت هم‌سویی با گفتمان انقلاب اسلامی، پاسخ‌گویی به نیازهای فکری و معرفتی جوان امروز را در زمینه‌های ادبی و هنری، رسالت خویش دانسته و در این مسیر گام می‌نهد.

کتاب حاضر که استاد علی ابوالحسنی (منذر) آن را به رشته تحریر درآورده‌اند، دفتر اول از مجموعه «ذوق لطیف ایرانی» است. در این مجموعه، نویسنده ارجمند، جناب استاد علی ابوالحسنی از لابه‌لای صفحات تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین با نگاه تیزبین خود، سطرهایی را برگزیده‌اند که نمایانگر بخشی از ذوق مردمی است که ظرافت اندیشه و لطافت روح،

بارزترین ویژگی آنان است. باید خاطر نشان کرد که مجموعه «ذوق لطیف ایرانی» صرفاً برای تفنّن خواننده و چیزی از سنخ «بخوانیم و بخندیم» یا «گوناگون» نیست؛ بلکه می‌کوشد در قالب طرح مطالب شیرین و جذاب، جلوه‌های گوناگون ذوق و هنر مردم این سرزمین را در شئون و عرصه‌های مختلف نشان دهد.

این گروه ضمن تجلیل از قلم محقق ارجمند جناب آقای علی ابوالحسنی منذر، آمادگی خود را برای دریافت پیشنهادهای شما خواننده گرامی اعلام می‌دارد.

گروه ادب و هنر

مرکز پژوهش‌های جوان

مقدمه

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چنانچه برخی از شما یان از دین اسلام [به آیین جاهلیت] باز گردند [باکی نیست]؛ همانا خداوند در آینده گروهی را خواهد آورد که خود، آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز دوستدارِ اویند؛ گروهی که نزد مؤمنان، متواضع و خاکسار، و در برابر کفار، سرسخت و استوارند؛ در راه خدا مجاهدت می‌ورزند و از سرزنش ملامتگران پروایی ندارند. این مقام و رتبه، تفضل الهی است که به هر کس بخواهد، می‌دهد و خداوند، بخشاینده آگاه است.^۱

شیخ طبرسی، مفسر شهیر اسلام، در کتاب *مجمع البیان* روایت می‌کند: از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: «آیه فوق در شأن چه کسانی نازل شده است؟ پیامبر، دست بر شانه سلمان فارسی نهاد و فرمود: *هذا و ذُووه*؛ یعنی، مراد از این آیه، سلمان و هموطنان او - ایرانیان - اند. آنگاه فرمود: «اگر دین (یا علم)، چونان رشته‌ای، به گردن ستاره ثریا آویخته باشد، مردانی از ایران بدان چنگ خواهند زد.»^۲

۱. مانده: ۵۳.

۲. این حدیث، با تعبیرهای گوناگون، در کتب حدیثی و تفسیری شیعه و سنی فراوان آمده است؛ همچون: *مجمع البیان*؛ تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی مکتبه الاسلامیه؛ ج ۳، ص ۲۰۸ و ج ۹، ص ۱۰۸ / *نور الثقلین*؛ ج ۱، ص ۵۳۲ / زمخشری؛ *تفسیر کشاف*؛ ج ۱، ص ۳۴۵ / *تفسیر فخر رازی*؛ ج ۱۲، ص ۱۹-۲۰ / محمدباقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۱، ص ۱۹۵، و...

۱

از جمله خصوصیت‌های ملت ایران - که وی را در طول تاریخ، بین ملل جهان ممتاز ساخته - هوش سرشار، ذهن و قیاد، طبع ظریف و ذوق لطیفی است که با آن - در عرصه فرهنگ و سیاست - سره را از ناسره تشخیص می‌دهد و در عرصه ادب، بهترین دُر‌ها و مرواریدها را از دریای طبع و گنجینه حکمت، بیرون می‌کشد.

سخن خداوند در قرآن، و تفسیر پیامبر گرامی او را - که مشابه آن در آیات و روایات دیگر، فراوان آمده است - در بیان این حقیقت در بالا دیدیم. جبران خلیل جبران، اندیشمند مسیحی لبنانی، نیز در مورد مولای متقیان علی علیه السلام سخنی دارد که نشان می‌دهد اندیشمندان منصف دیگر ملل نیز به این حقیقت اذعان دارند:

عرب، حقیقت مقام و مرتبت علی علیه السلام را نشناخت، تا اینکه گروهی از همسایگان و یا برادران ایرانی اعراب، بپا خاستند و بین جواهر و سنگریزه تفاوت گذاردند.

البته باید توجه داشت که وجود این گونه امتیازها در برخی از ملت‌ها - و از آن جمله: در ملت ایران - نسبت به دیگر ملل، هرگز مجوزی برای «فخر فروشی» آنها بر دیگران و «تحمیل سلطه نژادی» شان بر آنان نیست؛ اما انکار این نوع امتیازهای ذاتی نیز - که انکار واقعیت است - امری بی‌جا و بی‌دلیل است؛ چنان‌که در کلام خداوند و پیامبر گرامی‌اش، با تعبیرهای گوناگون، به فضایل ذاتی ملت ایران اشارت رفته، و در عین حال، ملاک کرامت و معیار برتری نزد خداوند، «تقوا» قلمداد شده است:

يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكّرٍ و أنثى و جعلناكم شعوباً و قبائل ليعترفوا انّ
اكرمكم عند الله اتقيكم.

معیار فضیلت، تنها «تقوا» است؛ بنابراین تمایزهای «ذاتی» ملل و اقوام، باید به جای آنکه بهانه غرور و تفاخر آنان بر دیگران باشد، دستمایه نیل به کمالات برتر و پیشی گرفتن از سایرین در میدان فضایل گردد. پس، نه آن تمایزها را انکار کنیم و نه به بهانه آنها، به ورطه غرور و فخرفروشی درغلطیم؛ بلکه آنها را نردبان صعود به اوج کمال، و افزار ترقی علمی و معنوی خویش قرار دهیم و با این کار، خود را شکرگزار واقعی این نعمت، و شایسته برخورداری از این موهبت، نشان دهیم.

۲

در هوش سرشار و ذهن وقاد و ذوق لطیف ایرانیان، جای هیچ تردیدی نیست و اگر کسانی در این باره کوچک‌ترین شکمی دارند، نشان دهند که کدام ملت، همچون ملت ایران، در طول تاریخ پر نشیب و فراز خود، این همه حکیم، ریاضی‌دان، منجم، فقیه، محدث، ادیب، شاعر، سیاستمدار و سردار جنگی کم‌نظیر، چونان شخصیت‌های نام‌آشنای زیر، تحویل جامعه بشریت داده، و هنوز هم - به خواست حق - سترون نیست:

ابونصر فارابی و بوعلی سینا و شیخ اشراق و میرداماد و صدرای شیرازی و سید محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری، و یا زکریای رازی و ابوریحان بیرونی و خیام و خواجه نصیرالدین طوسی، و یا شیخ صدوق و شیخ طوسی و علامه مجلسی و شیخ انصاری و محدث نوری، و یا فردوسی و خاقانی و سعدی و حافظ و ملای رومی و ادیب پشاورزی، و

یا خواجه نظام‌الملک طوسی و قائم مقام فراهانی و امیرکبیر و شاه اسماعیل صفوی و نادرشاه افشار^۱ و ...

چنانچه باز هم شک و تردیدی دارند، بروند و اظهارات شخصیت‌های بزرگ و آگاه در شرق و غرب جهان - همچون گوته آلمانی، تاگور و نهرو هندی، اقبال لاهوری، ابن‌خلدون مغربی و دیگرهای دیگر - را درباره شخصیت‌های شاخص علمی، ادبی، سیاسی و نظامی ایران بزرگ، و پیشینه مدنی درازآهنگ و درخشان آن، بخوانند و در آن نیک بیندیشند، تا بفهمند چه می‌گوییم.^۲

چرا راه دور برویم؟ در همین عصر ما - که آفتاب تمدن کهن ایران، درخشش پیشین را ندارد - کسانی چون پرفسور غفاری و پرفسور رضا در محاسبه‌های دقیق فنی و ریاضی آپولو ۱۱ (معجزه تکنیک قرن ۲۰) دست داشتند و حاصل زحمت‌های خطیر آنان و همکاران ینگه‌دنیایی‌شان بود که آن فلک‌پیمای عجیب در تیر ماه ۱۳۴۸ (ژوئیه ۱۹۶۹) فاصله عظیم زمین تا

۱. روشن است که عملکرد امثال نادر، در همه جهات، مورد قبول و امضای ما نیست؛ در اینجا نظر به نوع نظامی یا سیاسی چنین کسانی است و نه جهات دیگر آنان.
۲. آقای ویلیام رپ، استاد رشته زبان، در دهه ۱۳۴۰ شمسی، سخنرانی مبسوطی درباره علم و تربیت در آمریکا در سالن انجمن ایران و آمریکا در اصفهان ایراد کرد که در آن عده‌ای از فرهنگیان حضور داشتند. وی گفت: عقاید و نظریه‌های دانشمندی مانند ابن‌سینا، غزالی، فارابی و غیره از طریق اروپا راه خود را به آمریکا باز نمود و توسط فلاسفه و مرتبان فرهنگی آنجا مانند ویلیام جیمز و جان دیویی در سیستم فرهنگی آمریکا مورد استفاده قرار گرفت. امروز نتایج آن نظریه‌ها و روش‌ها در سیستم فرهنگی و مدارس آمریکا مشاهده می‌شود. (مجله مکتب اسلام، سال ۶، ش ۳، ص ۶۹. به نقل از: روزنامه کیهان، ش ۶۳۷۹).

ماه را درنوردید و سرنشینان آن (نیل آرمسترانگ و دو فضانورد آمریکایی دیگر) به عنوان نخستین انسان‌ها بر کره ماه گام نهادند.^۱

چنان‌که همین نقش را - بلکه به صورتی برجسته‌تر - در جریان گشت‌زنی ربات‌های آمریکایی «روح» (Spirit) و «فرصت» (Opportunity) بر روی سیاره مریخ (به دنبال جست‌وجوی آثار حیات در آن سیاره) در سال ۱۳۸۳ ش / ۲۰۰۴م، توسط یک دانشمند ایرانی مقیم آن دیار (دکتر فیروز نادری، شیرازی‌تبار) مشاهده می‌کنیم. چگونگی آنکه:

بسیاری از مراجع و نیز نشریات علمی جهان (نظیر Science) هنگام انتخاب ۱۰ رویداد علمی سال ۱۳۸۳ شمسی (۲۰۰۴ میلادی)، اثبات وجود آب مایع بر سطح کره مریخ در گذشته دور را در صدر رویدادهای مزبور شمردند. دو ربات مریخ‌نورد «روح» و «فرصت» که از سوی مرکز علمی «ناسا»ی آمریکا از یک سال پیش به گشت‌زنی بر روی این سیاره مشغول بودند، سرانجام اثبات کردند که بر روی مریخ آب وجود داشته است و با این کشف، توانستند یک گام بزرگ در راه جست‌وجوی حیات در فراسوی زمین پیش رفته و به پاسخ این سؤال مهم علمی که: «آیا امکان وجود حیات در مریخ وجود دارد؟»، نزدیک شوند. جالب است بدانیم که در پشت پرده این مأموریت و سایر برنامه‌های اکتشافی مریخ، مردی ایرانی (شیرازی‌تبار) ایستاده بود که باید او را بر پایه دستاوردهای فعالیت‌هایش، مطرح‌ترین و

۱. رک: مجله اطلاعات فنیکی؛ ش ۱۴۴۱، جمعه ۲۷ تیر ۱۳۴۸ / مجله یمن؛ سال ۲۲، ش ۵، ص ۲۴۶-۲۴۷.

موفق‌ترین دانشمند کشورمان در سال ۱۳۸۳ در سطح جهان به‌شمار آوریم: دکتر فیروز نادری، مدیر سابق طرح سرمنشأ (Ongins) در ناسا، مدیر و مؤسس برنامه اکتشافی مریخ، برنده عالی‌ترین نشان مدیریتی ناسا و جایزه بنیاد فلسفی لیبرال پرایز (به دلیل مشارکت در گسترش دیدگاه انسان معاصر)، و مدیر ارشد برنامه راهبردی JPL^۱

۳

نمی‌گوییم: «هنر نزد ایرانیان است و بس»؛ بلکه می‌گوییم: ایرانیان، مردمی بسیار خوش‌ذوق و هنرمندند. مشفق کاظمی (نویسنده کتاب «تهران مخوف»، و سفیر سابق ایران در سوریه) که در زمان حکومت عدنان مندرس (نخست‌وزیر مشهور ترکیه) سفری به ترکیه داشته و از موزه بزرگ و معروف توپکاپو در استانبول دیدار کرده است، می‌نویسد:

بیشتر چیزهایی که در آن موزه به معرض نمایش گذارده شده و به‌خصوص کتب و خطوط، همه فارسی بود و همه از سرپنجه هنرمندان ایرانی به وجود آمده بود که حوادث روزگار، آنها را به خاک عثمانی کشانیده بود؛ اما آنچه بیشتر مرا خشنود و بلکه مغرور می‌ساخت، تفاوت فاحشی بود که بین سلاح‌های قدیمی ساخت تُرک و ایران، به‌خصوص زره‌ها، به چشم می‌خورد که از آن ما از متتهای ظرافت بهره داشت و کار آنان بسی زمخت می‌نمود.^۲

۱. برای اهمیت این کشف علمی، و برنامه‌های مهم ناسا و دکتر نادری در آینده، ر.ک: «گفتگوی خبرنگار جام جم با ایشان»؛ مندرج در: جام جم؛ ش ۱۳۹۷، ۱۵ فروردین ۱۳۸۴،

ص ۵.

۲. مشفق کاظمی؛ روزگار و اندیشه‌ها؛ ج ۲، ص ۲۴۳-۲۴۴.

تأیید کلام این نویسنده و دیپلمات ایرانی را می‌توان در سخن احمد صیرفندرسکی (عضو عالی‌رتبه وزارت امور خارجه ایران در عصر محمدرضا پهلوی) باز جست که در سال ۱۹۷۵ به نمایندگی از ایران در جشن‌های استقلال الجزایر شرکت کرده و با رئیس‌جمهور آن کشور، بومدین، دیدار و گفت‌وگو داشته است.

میرفندرسکی نقل می‌کند: در ملاقات یادشده، یک قالی بزرگ نائینی (حدوداً ۱۲ متری) از سوی شاه ایران به رئیس‌جمهور الجزایر اهدا کردم. زمانی که «قالی را آوردند و پهن کردند روی زمین، بومدین از جای خود بلند شد، دور قالی چرخید و با دقت در نقش و نگار آن خیره شد و بعد رو کرد. به من، گفت:

– این شعر است، قالی نیست!»^۱.

۴

متأسفانه، گویا، دانشمندان و هنرمندان کارآشنای جهان، ارج کار دانشمندان و هنرمندان بزرگ کشورمان را از خود ما بهتر و بیشتر می‌شناسند! هادی تجویدی، استاد صاحب‌نام مینیاتور در دوران معاصر، شهرت جهانی دارد. سیف‌الله وحیدنیا، تحت عنوان «استاد مینیاتور» می‌نویسد:

یکی از نخبه‌ترین استادان مینیاتور معاصر ایران، هادی تجویدی است که این هنر ظریف و دقیق را به اوج خود رسانده و در خُمول و گمنامی،

عمری به‌سر برده و رخ در نقاب خاک کشیده است. کارهای استاد هادی تجویدی، زینت‌بخش موزه‌های بزرگ جهان است و در موزه‌های ایران و نزد کلکسیونرهای خصوصی نیز به‌ندرت یافت می‌شود.

آقای دکتر تجویدی، فرزند هنرمند استاد می‌گفت: برای تکمیل تحصیلات هنری به فرانسه رفتم، از نام و نشانم پرسیدند، خودم را معرفی کردم و گفتم پدرم نیز استاد مینیاتور بوده است. پرسیدند: پدرت چه نام داشته؟ گفتم: هادی تجویدی. وقتی نام او را شنیدند، اکرام و احترام فراوان کردند و گفتند ایشان به نام «هادی» در نژاد موزه‌داران بزرگ جهان شناخته شده و کارهای او در موزه لوور [پاریس] از نخبه کارهای مینیاتور در این موزه غنی و بزرگ جهانی است. مهم‌تر اینکه استاد استادان یعنی محمد غفاری (کمال‌الملک) درباره استاد تجویدی دست‌نوشته‌ای دارد که اصل آن نزد استاد علی تجویدی موجود است و عبارت آن، که در حکم بزرگ‌ترین سند و دیپلم استادی در کار هنر نقاشی و مینیاتور است، بدین شرح است:

هو:

برای اطلاع عموم هم‌وطنان عرض می‌شود که آقای میرزا هادی خان، گذشته از اینکه در صنعت نقاشی، مخصوصاً آبرنگ‌سازی، حقیقتاً نظیر ندارند و اسباب افتخار ایرانی‌ها هستند، از حیث اخلاق هم مثل ایشان کم یافت می‌شود و در این مدتی که در مدرسه صنایع مشغول تحصیل و اخیراً سمت معلمی داشته‌اند، جز ادای تکلیف و انسانیت و وظیفه‌شناسی، چیز دیگری در ایشان دیده نشد. بنده هم کمال رضایت را از ایشان دارم.
محمد غفاری - امضاء و مهر کمال‌الملک

به نوشته آقای وحیدنیا:

ذیل این نامه، استاد اسماعیل آشتیانی معاون کمال‌الملک نیز چنین مرقوم داشته است:

همان طور که حضرت استاد معظم آقای کمال‌الملک مرقوم فرموده‌اند، آقای میرزا هادی خان یکی از نقاشان و استادان ماهر فن نقاشی هستند که مدرسه صنایع مستظرفه در نظر داشته است به ایشان دیپلم فراغت تحصیل اعطا کند، ولی چون مدرسه به موقع خود اکسپوزه نشده است، بر طبق نظر مدرسه در اولین جشنی که مدرسه عن‌قریب ترتیب خواهد داد به ایشان دیپلم داده خواهد شد.

۲۵ شهریور ۱۳۰۶ - اسماعیل آشتیانی^۱

سید محمدعلی جمالزاده، در گفت‌وگویی که اواخر عمر خویش، با روزنامه همشهری داشت، تعریف و تحسین رئیس «موزه لوور» پاریس از خطاط بزرگ و نام‌آشنای ایرانی را این چنین گزارش می‌کند:

یک نفر پاریسی بود که رئیس موزه لوور بود. معروف بود به هنرشناسی. سالی دو دفعه می‌آمد به ژنو، کنفرانس می‌داد، راجع به هنر. وقتی که کنفرانس می‌داد، قیامت می‌شد. قیمت بلیت، دوازده فرانک بود، اما می‌رسید به صد فرانک، صد و بیست فرانک. من تا دوازده فرانک بود می‌رفتم. چند تایش را رفتم. در یکی از سخنرانی‌هایش که با فیلم همراه بود گفت:

«ای مردم، شما این همه تابلوهای حضرت مسیح را در بالای صلیب دیدید. مادرش حضرت مریم هم دارد آن پایین گریه می‌کند؛ آیا دیده‌اید؟» همه گفتند: «بله، بله، ما هم دیده‌ایم». گفت: «حالا به من

۱. خاطرات و اسناد شامل: نوشته‌ها و خاطرات مستند تاریخی؛ تهیه و تنظیم: سیف‌الله وحیدنیا؛